

نگرشی بر خطوط کوفی برج علاءالدوله در ورامین

ورامین در ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است.^۱ ورامین از شمال به لواسان، از مشرق به خوار، از جنوب به کویر و از مغرب به غار پشاپویه محدود است. در شمال آن سیاه کوه و دنباله‌های سه پایه قرار گرفته که رودخانه جاجرود از وسط آن می‌گذرد. اراضی ورامین همه از رسوبات جاجرود تشکیل شده است.^۲

جغرافیای تاریخی

جغرافیدانان اسلامی در قرون نخستین اسلام از ورامین بعنوان یکی از قصبات مهم و پرجمعیت ری یاد کرده‌اند. از جمله جیهانی جغرافیدان مبرز ایرانی می‌گوید: «... وری را بسیار دهها و قصبه‌های بزرگ چون: سُر، ورامین، درک، کیها، مرحامد و مانند آن باشد؛ چنانکه شنیده‌ام ده باشد که در آنجا هزار مرد باشد.»^۳ و هم ابن حوقل نصیبی می‌نویسد: «سرزمین ری را علاوه بر شهرها، قرایی است که از این شهرها مهمتر و معظم‌ترند. ولی منبر ندارند از قبیل: سد، ورامین، ارنبویه، ورزین، دزک، قوسین، و دیه‌های دیگر»^۴.

ورامین در روزگار پیشین یکی از مهمترین نواحی ری بوده است و در سال ۶۱۷

هجری که مغولها بر ری تاختند و آن را ویران کردند، اهالی آن به دو شهر ورامین و تهران کوچیدند؛ بطوری که در نیمه اول قرن هفتم هجری ورامین از آبادترین شهرهای آن حدود شمرده می شده است؛ اما دیری نپاییده که روبه انحطاط و ویرانی نهاده و در آغاز قرن نهم هجری اهمیت گذشته را از دست داده و تهران که در قرن هفتم هجری دهکده ای بیش نبوده جانشین ورامین شده است.^۵

«آثار مهم تاریخی ورامین عبارتند از: برج علاءالدوله متعلق به قرن هفتم هجری، مسجد جامع متعلق به دوره ایلخانی ابوسعید که بواسطه داشتن تزیینات فراوان، کاشیکاری معرق و گچبری و کتیبه های تاریخی و انواع خطوط جزء آثار مهم هنری ایران به شمار می رود. بقعه امامزاده یحیی که اهمیت تاریخی و صنعتی آن مرهون تزیینات گچبری و کتیبه برجسته آن به خط ثلث و محراب کاشی گرانبها و یک قطعه کاشی روی مرقد بوده است که امروزه جزء کتیبه گچبری اثری از سایر نفایس تاریخی آن در محل دیده نمی شود. بقعه شاهزاده حسین که از بناهای دوره مغول است. و بقعه امامزاده جعفر که از فرزندان امام موسی کاظم (ع) است.^۶

«برج آجری علاءالدوله که در عداد مقابر تاریخی می باشد، دارای بدنه مدوری به ارتفاع ۱۲ متر است، ساختمان این برج شامل سی ترک آجری بدون پشت بند است، بلندی گنبد دوپوشه مخروطی شکل آجری آن ۵ متر است. در حد فاصل بدنه برج و گنبد یک رشته قطار زیبایی که مزین به کاشی فیروزه ای و کتیبه تاریخی است قرار گرفته، سردر آن در بدنه غربی برج ساخته شده و دارای نرده بندیهایی می باشد. سردر دیگری در سمت شرقی آن دیده می شود. نکته هنری مهم این بنا تزیین خارجی برج است. تاریخ ساختمان مقبره علاءالدین در حدود نیمه دوم قرن هفتم (۶۸۰ هـ) می باشد.^۷» در زیر گیلویی و در حد نهایی ارتفاع دندانهای برج علاءالدوله کتیبه ای به خط کوفی جایگزین شده است؛ دو حاشیه کاشی در بالا و پایین کتیبه را قاب گرفته و متن آن که از جهت جنوبی آغاز می گردد و به صورت پیوسته و بدون وجود هیچ گونه حاشیه جدا کننده در محل تیزه و حدفاصل پره ها در اضلاع مختلف دندانهای برج ادامه می یابد، حروف از قطعات آجر تراشیده با طرحهایی شبیه برگ مزین شده است، که یکی از بهترین مثالها در تداوم کاربرد خط کوفی گل و برگ دار بعد از قرن ششم هجری و حمله مغول است و علاوه بر ارزشی که از نظر کتیبه شناسی داراست انتساب تاریخ و عملکرد بنا را نیز مورد تأیید قرار می دهد. با توجه به

این اهمیت قبلاً مورد توجه متخصصان و پژوهشگران تاریخ هنر معماری قرار گرفته است. یکبار ترجمه انگلیسی کتیبه توسط آقای برج اله بازل در کتاب بررسی هنر ایران و بار دیگر متن کامل عربی آن تا حدی که باقی مانده به شرح زیر در R.C. E. A به چاپ رسیده است.^۸

«بسمله... هذه القبه... [الاسلام]... الانام علاءالدوله والدين، ركن الاسلام والمسلمين. كهف العترة الطاهرة المرتضى ابن المولى الاعظم فخرالدوله والدين الحسن الحسينى الورامينى رضوان الله و [على] [روح اجد] [اوه] [م] نحن الاكام بمحمد وآله مصابيح العلام توفى فى اربع صفر [خ] مس و تسعمائه و تم هذه القبه فى سنه ۸۸ [۶].»
روى کتیبه های کوفی برج علاءالدوله ظاهراً برای آخرین بار به وسیله محقق ارجمند آقای عبدالله قوچانی انجام شده و در مقالاتی تحت عنوان «بررسی کتیبه آرامگاه علاءالدین» در مجله اثر به چاپ رسیده است. او می گوید: اشتباهاتی که در خواندن این کتیبه دیده می شود بر دو نوع است، یکی اشتباهاتی که توسط معمار یا طراح کتیبه زمان ساختن آن کرده اند که عبارتند از: کلمه «حسن» یک دندان کم دارد، کلمه «الحسینی» نیز یکدانه کم دارد که به صورت «الحسنی» در آمده است، و نیز کلمه «سنه» یک دندان کم دارد. اما اشتباهاتی که در خواندن کتیبه چاپ شده عبارت است از: کلمه «العلام» صحیح نیست و درست آن «الظلام» و صحیح کلمه «تم» کلمه «تمت» می باشد و صحیح کلمه «اربع» کلمه «رابع» است... اما در مورد کلمه «الاکام» به نظر می آید که اشتباه خوانده شده و فعلاً کلمه صحیح به جای آن به نظر نرسیده است. و همومی نویسد متن صحیح کتیبه برج علاءالدین در حال حاضر چنین است:^۹

«[بسم] الله [الر] حمن الرحيم... ذکره... امره... [الاسلام]... الانام علاءالدوله والدين ركن الاسلام والمسلمين كهف العترة الطاهرة المرتضى ابن المولى الاعظم فخرالدوله والدين حسن الحسينى الورامينى رضوان الله عليه و [على] [روح اجد] [اوه] [م] نحن الاكام بمحمد وآله مصابيح الظلام توفى فى رابع صفر سنه [خ] مس و [س] [بعين] و ستمايه و تمت هذه القبه فى ۸۸ [۶].»

راقم این سطور علی رغم میل فراوان، از بناهای تاریخی به دلیل مشغله های فراوان متأسفانه تا کنون موفق به دیدن برج تاریخی علاءالدوله نشده است، با این حال نه تنها از بررسی نوشته های معدودی که تا کنون راجع بدین آرامگاه تاریخی چاپ شده غافل نمانده

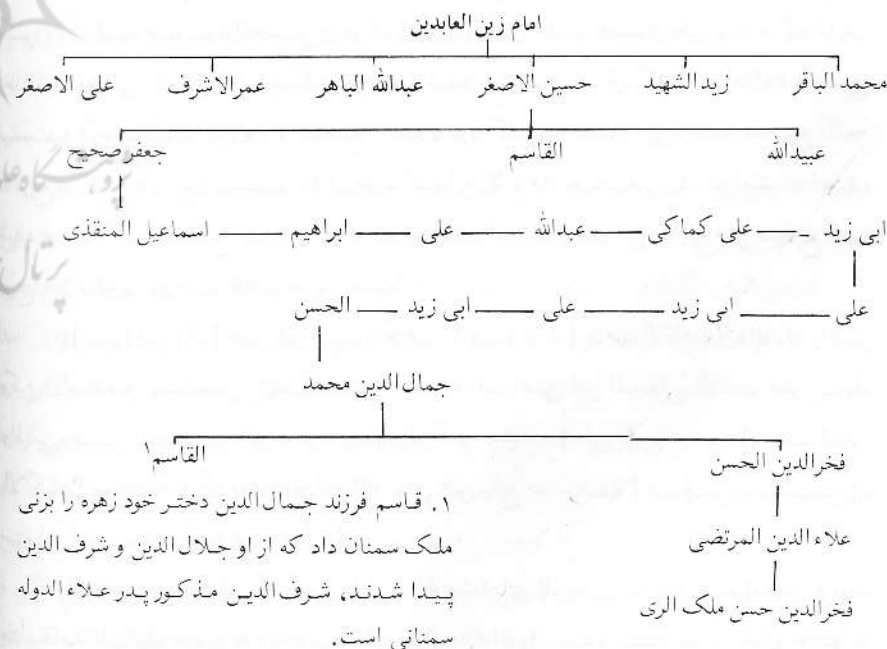
است؛ بل با بررسی و تدقیق در دیگر منابع مکتوب، در مطالعه الواح و کتیبه های گونه گون که بر مزارات تاریخی انشاء شده است، کوشیده که شاید وجه تشابهی بیابد که به قرانت خطوط کوفی برج مذکور که بر اثر گذشت زمان بخشهایی از آن از بین رفته، و به همین دلیل موجب ارائه قرانتهای مختلف و گاه مغلوپ از آن کتیبه شده است، کمک کند؛ نتیجه این تلاش اگرچه کاملاً رضایتبخش نبوده است لیکن در خور توجه می نماید.

۱- صورت صحیح دو کلمه مغلوپ و سؤال برانگیز «مغن» (و) «الاکام» که پیشتر بدان اشارت آمد تحقیقاً به صورت «مُبرهن» (و) «الکلام» یعنی (مبرهن الکلام) بوده است.

۲- چنین به نظر می رسد میان دو کلمه «ذکره» (و) «امر» کلمه «طاعة» قرار داشته است.

۳- بر این اندیشه ام که بلافاصله پس از کلمه «القبه» کلمه «المنیفه» آمده است.

شجره نسب علاءالدین (علاءالدوله) مدفون در ورامین



مأخذ: جمال الدین بن عنبه، الفصول الفخریه، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ص ۱۷۱

۴- به گمان من میان دو کلمه «الاسلام» (و) «الانام» کلمه «والمشهورین» قرار داشته است.

بنابراین راقم این مقال صورت جدید و تقریباً ترمیم یافته کتیبه برج علاءالدوله را این گونه پیشنهاد می کند: «بسم اله الرحمن الرحیم... ذکره و طاعة امره... الاسلام والمشهور بین الانام علاءالدوله والدين ركن الاسلام والمسلمين كهف العترة الطاهرة المرتضى ابن المولى الاعظم فخرالدوله والدين حسن الحسينى الورامينى رضوان الله عليه و على ارواح اجداده مبرهن الكلام بمحمد وآله مصابيح الظلام توفى فى رابع صفر سنة خمس و سبعين و ستمايه وتمت هذه القبه فى ٦٨٨»

منابع

۱. جعفری عباس، شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، چاپ ۱۳۶۸، ص ۱۴ و ۲۷.
۲. بیات عزیزالله، کلیات جغرافیایی طبیعی و تاریخی ایران، چاپ ۱۳۶۷، ص ۱۵۵.
۳. جیهانی، اشکال العالم، چاپ ۱۳۶۸، ص ۱۴۷.
۴. ابن حوقل، سفرنامه، چاپ ۱۳۶۸، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.
۵. رک: لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، چاپ ۱۳۶۶، ص ۱۳۲.
۶. رک: سازمان حفاظت آثار باستانی، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، چاپ ۱۳۴۵، ص ۲۰۲-۲۰۵.
۷. همان، ص ۲۰۲.
۸. شیبانی زرین تاج، «برج علاءالدوله (علاءالدین)»، مجله اثر، سال ۱۳۶۷، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۲۷ و ۲۸.
۹. قوجانی عبدالله، «بررسی کتیبه آرامگاه علاءالدین»، مجله اثر، پیشگفته، ص ۶۲ و ۶۳.